

آنچه ما از whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر از
واقعۀ شنیدیم
[Dari]



ROYAL COMMISSION OF INQUIRY
INTO THE TERRORIST ATTACK
ON CHRISTCHURCH MOSQUES
ON 15 MARCH 2019

TE KŌMIHANA UIUI A TE WHAKAĒKE
KAIWHAKATUMA I NGĀ WHARE
KŌRANA O ŌTAUTAHĪ I TE
15 O POUTŪ-TE-RANGI 2019

آنچه ما از *whānau*، نجات یافتگان و شاهدان متأثر از واقعه شنیدیم

منتشر شده در ۲۶ نوامبر ۲۰۲۰

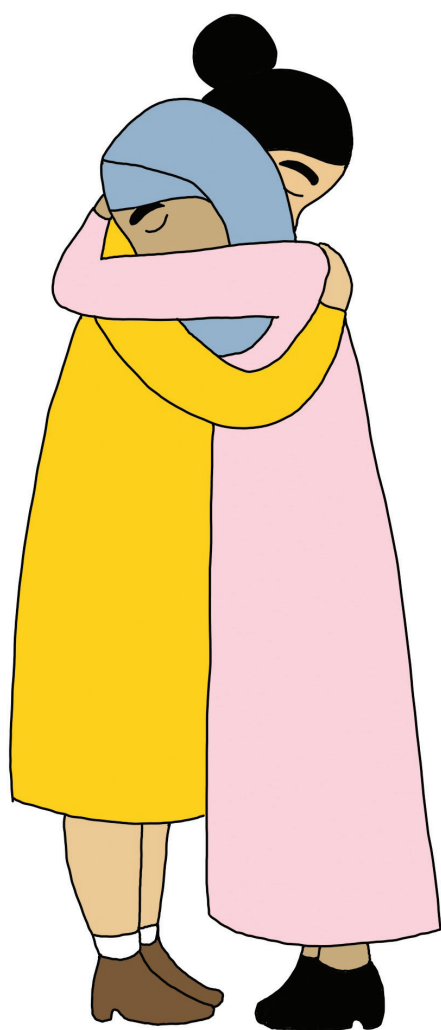
ISBN 978-0-473-54879-7 (PDF)

ISBN 978-0-473-55300-5 (Paperback)

© Copyright 2020

این سند را میشود در لینک زیر دریافت:
www.christchurchattack.royalcommission.nz

چاپ با استفاده از کاغذ تصدیق شده *FSC* و *ECF* صورت گرفته است که در آن تیراب وجود ندارد و به شکل طبیعی قابل انحلال است.



این خانه شماست
و شما باید اینجا
مصئون می بودید

این تصویر هدیه روبی جونز است.
کمیسیون سلطنتی از استعداد و سخاوت روبی اظهار امتنان می کند.



السلام و علیکم و tēnā koutou

ما میخوایم با اظهار عمیق ترین تسلیت خدمت whānau ۵۱ شهید، نجات یافتگان و شاهدان این حمله تروریستی و whānau آنها آغاز کنیم. در طول تحقیق ما، شما در مرکز افکار ما قرار داشته اید. ما اهمیت آن را از آغاز می دانستیم، اما فهم و درک ما از معنی واقعی آن بعد از شنیدن داستان ها، تجربیات و شواهدی که شما با ما شریک ساخته اید بیشتر شده است. شما به ما یک درکی از حقیقت هولناک حمله تروریستی و تأثیرات بالقوه آن را دادید. تجربیاتی که شما با ما شریک ساختید ما را تشویق کرد تا جواب هایی را تلاش کنیم، تضمین کنیم که هیچ کاری ناتکمیل باقی نماند، و برای شما تضمین دهیم که امنیت ملی نیوزیلند بر حال است. تشکر قلبی ما برای ملاقات هایی که با ما داشتید را بپذیرید و اینکه خانه ها و فلوب خود را برای شریک ساختن داستان های خود با ما باز کردید.

شنیدن از کسانی که بیشترین آسیب را از حمله تروریستی برداشته بودند، تحقیق ما را غنی تر ساختند و چشم دید مفیدی درباره حقیقت کسانی که از این حمله وحشتناک بیرون آمده بودند ارائه کرد. این واقعا ما را بسیار تحت تأثیر قرار داد و باور داریم که به غنای این گزارش افزوده است.

همچنین میخوایم از کسانی که نمیخواستند و یا نتوانستند تجربیات خود را با ما شریک کنند، چه بخاطر اینکه زمان یا شرایط مناسب نبود و یا به هر دلیل دیگری، نیز اظهار امتنان کنیم. ما میدانیم که مشارکت در یک روند با محدودیت زمانی و رسمی الزاما به نیازمندی های همه آنهاست که می خواستند با ما صحبت کنند پاسخ نگفته است. ما می پذیریم که داستان ها، تجربیات و شواهدی که درینجا مطرح گردیده اند نمایانگر whānau همه ۵۱ شهید، بازماندگان و شاهدان این حمله تروریستی نیستند. ما از خوانندگان تقاضا می کنیم تا این صفحات را ورق بزنند و بر درونداد هایی که ما از تجربیات قربانیان این حمله گرفته ایم، تفکر نمایند.

جاکي کين
عضو

جلالتمآب سر ویلیام یانگ
رئیس KNZM

4	لغات استفاده شده در این سند	فهرست لغات
6	زمینه	فصل ۱
6	تحقیق کمیسیون سلطنتی در مورد حمله	
7	بر مساجد کرایست چارچ بتاريخ ۱۵ مارچ ۲۰۱۹	
7	محدودیت های تحقیق	
7	زمان بندی تحقیق	
7	هدف این سند و روند کار ما	
10	ما از نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه چه پرسیدیم	
12	تأثیر حمله تروریستی	فصل ۲
12	تأثیرات مستقیم حمله تروریستی	
14	تأثیر ثانویه	
14	حمایت وسیع تر از سوی اجتماعات نیوزیلندی	
14	دریافت حمایت درست از ادارات دولتی چالش برانگیز است	
23	زندگی در نیوزیلند به حیث مسلمان	فصل ۳
23	تصور در مورد نیوزیلند عمدتاً مثبت است،	
23	اما نژادگرایی، تبعیض و اسلام هراسی وجود دارد	
23	تأثیرات تعصب (خودآگاه یا ناخودآگاه) در رسانه ها	
27	سوالات مطرح شده در مورد فرد و اینکه	فصل ۴
27	ادارات دولتی در مورد تروریست چه می دانستند	
29	راه حل های پیشنهاد شده توسط نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه	فصل ۵
29	افزایش امنیت در مسجد	
29	پذیرش حقوق بشر، تنوع و کاهش تأثیرات	
29	افراطیت مضر	
31	بهبود در نظام امنیت ملی نیوزیلند	
34	مسایل مطرح شده دیگر توسط نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه	فصل ۶
34	پاسخ پلیس نیوزیلند به حمله تروریستی	
35	تعامل فرد با نظام عدلی جزایی	
37	روند تهیه این سند	ضمیمه

لغت	تعریف
حجاب	پوشش سر که برخی زنان مسلمان در ملأ عام می پوشند.
نهادهای اطلاعاتی و امنیتی	اداره امنیت ارتباطات دولت و سرویس اطلاعات امنیتی نیوزیلند. این یک اصطلاح حقوقی در قانون اطلاعات و امنیت 2017 است.
مساجد	واژه عربی برای اشاره به بیش از دو مسجد.
مسجد	واژه عربی برای mosque، مکان پرستش مسلمانان. در عربی، معنای تحت اللفظی مسجد، «مکان سجده (در نماز)» است.
مسجد النور	واژه‌ای عربی برای اشاره به مسجد النور.
مسجدین	واژه عربی برای اشاره به دو مسجد.
شهادا	واژه عربی به معنای جمع «شهید». از اصطلاح شهدا در این سند برای اشاره به افرادی که در مقام شهید و در نتیجه حمله تروریستی 15 مارس 2019 کشته شدند استفاده می‌شود.
جامعه سراسری اطلاعات نیوزیلند	گروه نهادهای بخش دولتی که اطلاعات مخفی را جمع‌آوری، ارزیابی یا به هر شکل دیگری استفاده می‌کنند و نهادهایی که اطلاعات طبقه‌بندی‌شده را برای سیاست‌ها و عملیات‌های خارجی یا داخلی جمع‌آوری یا استفاده می‌کنند. شامل نهادهای جامعه اطلاعات نیوزیلند (گروه امنیت ملی اداره نخست‌وزیر و کابینه، اداره امنیت ارتباطات دولت و سرویس اطلاعات امنیتی نیوزیلند) و دیگر نهادهای بخش دولتی مانند اداره اصلاح و تربیت، اداره مهاجرت نیوزیلند، وزارت صنایع بنیادین، خدمات گمرک نیوزیلند، نیروی دفاع نیوزیلند و پلیس نیوزیلند.
whānau	Te reo Māori (زبان Māori) اصطلاح به معنی خانواده.



فصل 1: زمینه

- 1 بتاريخ ۱۵ مارچ ۲۰۱۹، مسجد النور و مرکز اسلامی لینوود در کرایست چرچ مورد حمله یک تروریست راستگرا در زمان نماز خواندن حاضران قرار گرفتند. پنجاه و یک تن درین حمله کشته و شهید شدند و ۴۰ تن دیگر نیز مجروح گردیدند.
- 2 پاسخ دولت به این حمله تروریستی دواعلامیه مهم بود:
(أ) اعلامیه تاریخ ۲۱ مارچ ۲۰۱۹ مبنی بر غیر قانونی شدن تفنگ های نوع نظامی نیمه اتومات و سایر تفنگ هایی که دارای حمل شاجور های با کیفیت بالا هستند. برنامه ای برای خرید مجدد آنها نیز در نظر گرفته شده بود.
(ب) بتاريخ ۲۵ مارچ ۲۰۱۹ اعلامیه صورت گرفت که یک کمیسیون سلطنتی تحقیقی ایجاد می گردد تا حوادثی که منجر به حمله تروریستی شدند را بررسی کند.
- 3 بتاريخ ۲۶ مارچ ۲۰۲۰، یک مرد آسترالیایی به اتهام ۵۱ مورد قتل، ۴۰ مورد اقدام به قتل و یک مورد اتهام تروریسم که مرتبط با همین حمله بودند اقرار کرد. بتاريخ ۲۷ آگست ۲۰۲۰، او به حبس ابد بدون امکان رهایی محکوم گردید. بتاريخ ۱ سپتامبر ۲۰۲۰، صدراعظم نیوزیلند بر اساس بخش ۲۲ قانون سرکوب تروریسم ۲۰۰۲، این مرد را یک عامل تروریستی عنوان کرد. این عنوان بر اساس قانون نیوزیلند باعث منجمد شدن سایر دارایی های این تروریست گردیده و هرگونه همکاری یا حمایت از فعالیت های فرد تروریست یک جرم جنایی پنداشته میشود. ما تصمیم گرفته ایم از نام تروریست درین سند استفاده نکنیم و او را زیر عنوان «فرد» خطاب کنیم.

تحقیق کمیسیون سلطنتی در مورد حمله بر مساجد کرایست چارچ بتاریخ ۱۵ مارچ ۲۰۱۹

- 4 کمیسیون سلطنتی برای تحقیق در مورد حمله تروریستی بر مساجد کرایست چارچ در تاریخ ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ (کمیسیون سلطنتی) برای تحقیق در مورد فعالیت های فرد قبل از ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ ایجاد گردیده بود. این کمیسیون همچنان موظف بود تا به موارد ذیل بپردازد:
(أ) کدام نهاد های دولتی، قبل از ۱۵ مارچ ۲۰۱۹، فرد را می شناخته،
(ب) نهاد های دولتی چه اقدامی درمورد این آگاهی (در صورت وجود آن) از فرد کرده،
(ج) آیا کاری دیگری بود که نهاد های دولتی میتوانستند برای جلوگیری ازین حمله تروریستی انجام دهند، و
(د) برای جلوگیری از چنین حملات تروریستی در آینده، نهاد های دولتی باید چه کار های دیگری را انجام دهند.
- 5 کمیسیون سلطنتی باید دریافت هایی در رابطه به موارد ذیل داشته باشد:
(أ) آیا ادارات دولتی اطلاعاتی داشتند که باعث هشدار آنها در مورد این حمله تروریستی می گردید،
(ب) ادارات دولتی چگونه با همدیگر کار کرده و اطلاعات را شریک ساختند،

- ج) آیا ادارات دولتی بدلیل تمرکز نا متناسب منابع ضد تروریستی در پیشبینی این حمله ناکام ماندند،
- د) آیا ادارات دولتی در اجرای معیارات لازمه ناکام ماندند و یا درین زمینه کدام اشتباهی را مرتکب شدند، و
- ه) سایر موضوعات دیگر که برای ارائه یک گزارش کامل لازم هستند.

6 کمیسیون سلطنتی باید سفارشات در موارد ذیل ارائه کند:

- ا) ادارات دولتی در زمینه جمع آوری، تشریک و تحلیل و تجزیه اطلاعات باید چه اقدامات بهبودی را روی دست گیرند،
- ب) سیستم های ادارات دولتی و روش های عملیاتی را چگونه میشود بهبود داد تا حملات تروریستی آینده را جلوگیری نمود، و
- ج) سایر موضوعات دیگر که برای ارائه یک گزارش کامل لازم هستند.

7 این سفارشات میتوانند شامل تغییرات در قوانین (به استثنای قانون اسلحه)، پالیسی ها، مقررات، استندرد ها یا روش ها گردد.

حدودیت های تحقیق

8 کمیسیون سلطنتی اجازه ندارد در موارد ذیل تحقیق کند:

- ا) مجرم یا بیگناه بودن هیچ فردیکه در رابطه به این حمله تروریستی محاکمه گردیده باشد و یا در آینده محاکمه شود،
- ب) تعدیلات در قانون اسلحه گرم،
- ج) فعالیت های نهاد های خارج از سکتور دولتی، مانند بستر های رسانه ای، و
- د) چگونگی اقدامات ادارات دولتی در قبال حمله تروریستی بعد از اینکه این حملات آغاز گردیده بودند.

زمان بندی تحقیق

9 کمیسیون سلطنتی به تاریخ ۱۰ اپریل ۲۰۱۹ آغاز به کار کرد و دریافت شواهد در ۱۳ می ۲۰۱۹ آغاز گردید. تحقیق ما چندین مرحله باهم مرتبط داشته است، از تشکیل تا ایجاد روابط با اجتماعات، تحقیق و جمع آوری شواهد، برگزاری مصاحبه های شهادتی، تحلیل و تجزیه و مباحثه، و انکشاف و ارائه گزارش.

10 تاریخ گزارش دهی اصلی مورخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۹ در دو مورد الی تاریخ گزارش دهی نهایی ۲۶ نوامبر ۲۰۲۰ تمدید گردید. این تمدیدها بدلائل ذیل ضروری بودند:

ا) مقدار زیاد مطالبی که ما به آن دسترسی داشتیم، و

ب) اختلالاتی که در نتیجه همه گیری کووید ۱۹ اتفاق افتادند.

11 ما گزارش خود را به حاکم اعلی، خانم پتسی ریدی تقدیم کردیم. حاکم اعلی این گزارش را برای مطالعه به دولت فرستاد.

هدف این سند و فرآیند کار ما

- 12 یک بخش کلیدی روند کمیسیون سلطنتی ایجاد ارتباط با ۵۱ whānau شهید (کسانیکه در نتیجه این حمله تروریستی شهید شده بودند)، و نجات یافته گان و شاهدان حمله تروریستی و whānau آنان بود. آنها در محراق تحقیق و فکر ما قرار داشته اند. کمیسیون سلطنتی تحقیق بخاطر فاجعه ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ که باعث اندوه، رنجش و جان باختن بسیار زیادی گردیده بود تشکیل گردید.
- 13 این گروه از مردم را بشکل جمعی قربانیان خواندیم، زیرا همه آنها ازین حادثه رنج برده اند. عده ای دیگر البته، از کلمه قربانی خوش شان نمی آید. در مورد نجات یافتگان نیز نظرات مختلفی وجود دارد. بعضی از آنها اصلا دوست ندارند هیچ برچسپی به آنها داده شود. برای این گزارش، ما از شرح «whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر» برای اشاره به whānau ۵۱ شهید، نجات یافتگان و شاهدان این حادثه و whānau شان استفاده می کنیم.
- 14 تمرکز اصلی این سند بر این خواهد بود که هر آنچه از whānau، نجات یافتگان و شاهدان این حادثه شنیده ایم بشکل قابل فهم آنرا ثبت کنیم. با در نظر داشت اهمیت آنچه ما شنیدیم، ما لازمی احساس کردیم تا داستانها، تجربیات و شواهد آنهایی که بیشترین آسیب را ازین حمله تروریستی متقبل شده بودند را تصدیق کنیم.
- 15 ما میخواستیم ملاقات با whānau، نجات یافتگان و شاهدان را در صورتیکه آنها میخواستند ملاقات کنند اولویت بدهیم. ما با همسران، مادران، پدران، برادران، خواهران، پسران، دختران، خاله ها و عمه ها، ماما ها و کاکا ها، پسران کاکا/ماما/خاله / عمه شهدا ملاقات کردیم. ما همچنان با آنهایی که جراحت برداشته بودند (اعم از فزیک و روانی)، نجات یافتگان و شاهدان حمله تروریستی و whānau آنان ملاقات کردیم.
- 16 زمانیکه ما روند را آغاز کردیم، ما لیست همه whānau، نجات یافتگان و شاهدان این حادثه را نداشتیم. ادارات دولتی و نهاد های مردمی مربوطه بدلالی محرمیت اشخاص نمیتوانستند نامها یا اطلاعات ارتباطی این افراد را با ما شریک سازند. بخاطر اینکه ما بتوانیم بیشترین تعداد ممکن whānau، نجات یافتگان و شاهدان را ملاقات کنیم، ما آنها را بشکل باز دعوت کردیم تا مطابق با شرایطی که خود شان تعیین می کردند با ما ببینند.
- 17 ما از امامان محلی خواستیم تا به مردم بگویند که اگر میخواستند با ما ملاقات کنند. برای تضمین اینکه دعوت ما به بیشترین تعداد مردم برسد، ما همچنان با گروه ها و سازمان های دیگر تماس برقرار نمودیم تا با ما کمک کنند آگاهی در مورد فرصت ملاقات با ما به بیشترین تعداد مردم برسد، اینها شامل گروه همکاری مسلمانان کرایست چارچ، اعضای گروه مرجع اجتماعات مسلمانان ما، حمایت قربانیان و وزارت انکشاف اجتماعی می گردید. ما این دعوت های خود را از طرق وبسایت، گزارش های رسانه ای، ملاقات شخصی، از طریق تیلیفون های با شماره ۰۸۰۰ و نصب کاپی های دعوتنامه در مورد های اعلامیه ای مسجدین گسترش دادیم.
- 18 ما همچنان از حمایت وکلای محلی JustCommunity و خدمات مشاورتی مردمی خیریه Navigate Your Way برخوردار بودیم که به ما کمک کردند تا در تشکل های کوچک و بزرگ با whānau، نجات یافتگان و شاهدان حادثه دیدار کنیم. حمایت این نهاد ها به ما این فرصت را داد تا با مردمانی که در غیر آن نمیتوانستیم برسیم، تماس ایجاد نمودیم. ما از حمایت و همکاری آنها سپاسگذاریم.
- 19 ما با مردم در زمان و در صورت امکان مکاناتی که برای آنها مناسب بود، دیدار کردیم. بعضی کسان ما را به خانه های خود دعوت کردند و عده ای دیگر با ما در مراکز اجتماعی، کافه ها، یا هتل یا اتاق های ملاقات کتابخانه ها دیدار کردند. همه این ملاقات خصوصی برگزار شدند و ما سعی کردیم احترام خاص به فرهنگ و مذهب شان داشته باشیم، بخصوص با در نظر داشت آسیب روانی که این مردم از آن گذشته بودند.

- 20 whānau، نجات یافتگان و شاهدانی که ما ملاقات کردیم از ۲۲ کشور مختلف بودند و به بیشتر از ۵۰ زبان تکلم می کردند. همه این موارد در زمان تماس با آنها در نظر گرفته شده بود.
- 21 بعضی از نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه، آماده بودند که بلافاصله با ما دیدار داشته باشند. بعضی دیگر نیاز به زمان بیشتری داشتند. ما می خواستیم به نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه که عزادار بودند احترام بگذاریم. ما همچنان خواهان احترام گذاری به مراسم خاص مسلمانان نیز بودیم، از قبیل دوران عزاداری، رمضان، عیدالفطر، ذوالحجه، عیدالاضحی، مراسم حج و محرم.
- 22 ما درطول این روند می آموختیم و همه چیز را همیشه درست درک نمی کردیم. ما از دریافت نظرات در صورتیکه در کار ما نقض میداشتیم اظهار امتنان می کردیم، مثلاً زمانیکه استفاده نکردن از مترجم فضا را برای تماس آسانتر میساخت، یا اینکه اتاق طوری طراحی شده بود که نشانگر عدم توازن قدرت بود. این نظرات به ما کمک می کرد تا رویکرد خود را طوری اصلاح کنیم که برای مردم آسانتر شود، و آنها احساس کنند که در یک فضای مصئون هستند و صدای شان شنیده میشود. امیدوارم نیت ما مبنی بر ایجاد یک فضای مناسب و مصئون قابل فهم بوده باشد، حتی اگر ما گاهی نزاکت هایی را درک نتوانسته باشیم.
- 23 بعضی از مسایلی بودند که ما میخواستیم از ملاقات خود با کسانی که عمیقاً متأثر از حمله تروریستی ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ شده بودند حاصل کنیم. ما میخواستیم مردم فرصتی داشته باشند برای شریک ساختن داستانها و شواهد شان با الفاظی که خود شان انتخاب می کردند. ما میخواستیم نظرات آنها را در مورد هر آنچه که قبل از حمله تروریستی اتفاق افتاد را بررسییم. همچنان میخواستیم نظرات آنها را در یابیم که ادارات دولتی چگونه میتوانند از چنین حملات درآینده جلوگیری کنند.
- 24 رویکرد عمومی ما این بود که ما برای شنیدن به آنجا آماده بودیم. whānau متاثره، بازماندگان و شاهدان این ملاقات را رهبری می کردند. مردم در مورد عزیزان شان که در این حادثه از دست داده بودند داستان هایی را شریک می ساختند، و یا تجربیات خود در زمان حمله را بیان می کردند. آنها از ما درمورد کمیسیون سلطنتی پرسیدند، اینکه این چه چیزی بود، چگونه عمل میکرد، و تا چه حد صلاحیت ایجاد تغییر را داشت. بعضی از کسانی که ما ملاقات کردیم از انتقاد پولیس نیوزیلند، ادارات دولتی یا دولت در کل ابداء می ورزیدند. تا حدی این بدلیل تجربیات خود شان با مسئول کشور های بومی شان بوده و نگران بودند که انتقاد ممکن است نتایج منفی برای آنها ببار آورد. عده ای دیگر احساس میکردند که آنها حمایت کافی از نهاد های دولتی دریافت نمیکردند، ازینرو به ما متوسل می شدند، بطور مثال در زمینه دریافت کار یا دریافت حمایت برای اعضای whānau شان که میخواستند به نیوزیلند بیایند و با آنها یکجا شوند. حمایت از مردمانیکه با چنین چالش ها مواجه بودند خارج از حیطه صلاحیت ما بود، اما تا جاییکه ممکن و مناسب بود ما مردم را به نهاد ها یا ادارات مربوطه دولتی راجع کردیم تا دیده شود که به آنها کمک می توانند یا خیر.
- 25 بعضی از آنچه ما درین ملاقات ها شنیدیم خارج از ساحه وظایف ما بود. اما شرایط کار ما همچنان شامل فراهم سازب اطمینان خاطر به مردمان نیوزیلند میگردد. ازینرو، ما فکر میکنیم که ثبت حجم مسایلی که برای whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان مهم بودند ثبت کردیم. این سند حاوی خلاصه ای از مسایل و تجربیات همراه با راه های حل ممکنه ایست که توسط whānau، نجات یافتگان و شاهدان متاثره با ما شریک ساخته شده اند.
- 26 ملاقات های ما با whānau، نجات یافتگان و شاهدان متاثر بشکل خصوصی انجام شدند. این به آن معناست که مباحث که میان کمیسیون سلطنتی و کسانی که ما با آنها ملاقات کردیم محرم بوده است. ما اضعهار امتنان، تمجید و خرسندی از سوی whānau، نجات یافتگان و شاهدان متاثره دریافت کردیم. اما ما همچنان در غم عمیق، آسیب روانی و پریشانی آنها شریک بوده ایم. ما این داستان ها و تجربیات را با نیت ادای احترامی که آنها حقدار آن هستند اینجا آورده ایم. ما اینکار را بشکل

عمومی انجام داده ایم، و اکثراً سعی کرده ایم نام شخص خاصی ذکر نگردد. برای حفظ محرمانه بودن شخصی، سایر نقل قول ها بدون ذکر نام هستند. در جاهایی که نقل قول آمده اند، آنها در نتیجه ارائه جاتی هستند که از سوی یک گروه بزرگی از whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر به ما گفته شده و نشاندهنده تجربیات و نظرات گسترده یی هستند. ما اما درک میکنیم، که این نقل قول ها نظرات همه whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر نبوده است.

27 ما از whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر بخاطر گفتگو های باز شان در مورد چنین یک دوره ای مملو از اندوه اظهار امتنان میکنیم. این گفتگو ها و معلومات روند ما را بسیار تقویه نموده و به ما اطمینان داده که همیشه ۵۱ نفر شهید در محراق روند کارما قرار داشته باشد، و ازاین طریق گزارش ما را غنی تر ساخته است.

28 ما ازاین مواد، همراه با اطلاعات جمع آوری شده از جلسات، مصاحبه ها و تحقیق، در تهیه گزارش کمیسیون سلطنتی در مورد حمله تروریستی به مسجد النور و مرکز اسلامی لینوود بتاريخ ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ استفاده نموده ایم.

ما از whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر از واقعه چه پرسیدیم

29 ما هیچ سوال از قبل تهیه شده برای whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثره نداشتیم، بجای آن ما فرصتی به whānau، نجات یافتگان و شاهدان دادیم تا داستان ها و شواهد خود را به کلمات خود و در زمان خود شان بیان کنند. برای اینکه مباحثات گسترش یابند، ما سوالاتی هم مطرح کردیم. سوالات مطابق با شرایط هر فرد طرح شده بود و شامل سوالات در رابطه به موارد ذیل میگردد:

- تاثیر حمله تروریستی بر خودشان، whānau شان و دوستان شان،
- زندگی های آنها در نیوزیلند، قبل از حمله تروریستی، بشمول:
 - (i) تجربیات عمومی زندگی آنها در نیوزیلند چگونه بوده است، و
 - (ii) آیا آنها قبل از ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ احساس ناامنی می کردند یا خیر، آیا آنها گاهی خواستار کمک شده بودند و یا نگرانی ای را مطرح کرده بودند،
- دولت در گذشته برای افزایش احساس امن آنها چه میتواند انجام دهد، و یا میتواند مردمان دیگری را برای پذیرش کمک کند، و
- دولت چه میتواند بکند (یا بهتر انجام دهد) تا در آینده نیوزیلند برای همه مردم امن تر گردد و از چنین حملات تروریستی جلوگیری بعمل آید.



فصل ۲: تاثیر حمله تروریستی

تاثیرات مستقیم حمله تروریستی

- 1 whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر از واقعه که عزیزان خود را از دست داده اند در مورد اینکه حمله تروریستی بر آنها چگونه تاثیر گذاشته اند ابراز نظر کرده و تجارب شانرا شریک ساختند. نجات یافتگانی که در نتیجه این حمله تروریستی جروحات فیزیکی برداشته بودند، بشمول زمانیکه میخواستند فرار کنند، اکثرا از پیشرفت کند معالجه شان شاکی بودند. عده ای دیگر که جروحات شدید فیزیکی و روانی برداشته بودند تاثیرات دایم العمر خواهند ماند.
- 2 ما با مردمانی گفتگو کردیم که چندین عمل جراحی انجام داده بودند اما هنوزهم شفا یاب نشده بودند. بعضی از نجات یافتگان هیچگاه از اعضای بدن خود استفاده نخواهند توانست. مردمان هستند که بدلیل اصابت چره های مرمی، هنوز جان شان درد می کند و یا بخش های از بدن شان بیحس است. بعضی از نجات یافتگان نیازمند مراقبت دایمی و تجهیزات هدفمند در خانه های شان هستند تا با این جروحات بتوانند زندگی خود را دوام دهند.
- در آن روز، یک مرمی سمت راست پایم را نشانه گرفت و چره آن به جگرم پیوست شد، که باعث خساره بیشتر در درونم گردید و هنوز در داخل من قرار دارد. اخیرا احساس درد در شکم داشتم... جراح برایم گفت کته چره از محل اولیه بداخل عضله من رسیده است. آنها برایم گفتند که اگر چره بطرف شکم حرکت کند، آنها به فکر کشیدن آن خواهند شد، اما در مرحله فعلی بهتر است در داخل وجود باقی بماند.
- 3 بسیاری از نجات یافتگان بشکل آنی نتوانستند به کار برگردند، و بعضی از آنها بخاطر جروحات شان مجبور به تغییر مسلک شدند. در حالیکه بسیاری از نجات یافتگان میگفتند صاحبان کار با آنها رفتار حمایتی نموده بودند و آنها وقت کافی برای معالجه داشتند، عده ای از کسان کار های خود را از دست دادند بخاطر که قادر به انجام وظایف قبلی شان نبودند. بعضی از نجات یافتگان تجارت های خود را از دست دادند.
- 4 ما از whānau متاثره در مورد تاثیرات در ساعات و ایام دقیقا بعد از حمله تروریستی پرسیدیم. آنها به ما در مورد چالش هایی گفتند که مردم در پیگیری عزیزان شان با آن مواجه بودند.
- یکی از آشناهای والدینم گفتند که او برادرم را در اتاق عملیات دیده بود... مادر و پدر به سوی شفاخانه حرکت کردند در حالیکه چهار ساعت در بیرون مسجد النور منتظر بودند، سپس آنها شش ساعت دیگر در بیرون شفاخانه کرایست چرچ منتظر بودند. بعد از این همه انتظار، والدینم دریافتند که مریض شماره ۱۲، برادر من نبوده است. به آنها سپس گفته شد که برادرم در میان افراد حساب شده نبوده است.
- 5 بسیاری از whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر که با ما ملاقات کردند احساس میکردند که روند شناخت قربانیان و روند شناخت افراد تحت تداوی در شفاخانه باعث رنجش اضافی و غیر ضروری برای آنها گردیده بود. بعضی از این افراد گفتند که آنها اطلاعات ضد و نقیض از پولیس نیوزیلند و کارمند شفاخانه در ۲۴ ساعت بعد از حمله دریافت کردند. در یک قضیه، یک عضو خانواده ای که عزیز خود را در حال کشته شدن دیده بود توسط پولیس نیوزیلند و کارمندان شفاخانه گفته شده بود که امید خود را از دست ندهند زیرا عزیز شان در یک شفاخانه دیگر تحت علاج بوده است. این امید دروغ باعث اندوه قابل توجه بیشتر به وی گردیده است.
- 6 مردمانی که ما با آنها ملاقات کردیم در مورد زمان زیاد انتقال اجساد و شناسایی آنها بحیث افراد مرحوم، شاکی بودند. در یک مورد، یک عضو نزدیک whānau یک قربانی مرگ عزیزش را در یک مقاله روزنامه خوانده بود بدون اینکه از سوی پولیس نیوزیلند قبلا آگاه شده باشد.
- 7 بعضی از اعضای whānau متأثر همچنان شاکی بودند که به آنها اجازه داده نشده بود تا وارد ساحه پولیسی شوند و عزیزان شانرا جستجو کنند. به ما گفته شد که آنها ویدیوی زنده حمله که توسط فرد ثبت شده بود را دیدند تا دریابند که آیا

عزیزان شان کشته شده بودند و یا در شفاخانه میتوان آنها را یافت.

بصورت کل مجموعه از عوامل مانند نبود اطلاعات، ارتباطات و دسترسی به مسجد و عزیزان شان، و انکار پولیس از اجازه دادن به کارمندان صحنی برای ساعت ها بداخل محل، قربانیان به این باور رسیده اند که این عملیات نمادی از غفلت و کم کاری بوده است.

8 مردم همچنان از اینکه زمان زیادی برای شناسایی افراد تحت تداوی در شفاخانه ها گرفت شاکی بودند. آنها سوال می کردند که آیا نبود تجربه و فهم در مورد فرهنگ نامگذاری مسلمانها، و تغییراتی که در درج نامهای مسلمان ها و چگونگی نوشتن آنها وجود دارد، باعث این کند کاری بوده است. این امر باعث سرگچی اعضای whānau کسانی گردید که میخواستند عزیزان خود را پیدا کنند و بفهمند با آنها چه اجرات صورت گرفته است.

9 همه کسانی را که ما ملاقات کردیم، چه آنهایی که اعضای whānau متأثر، و چه نجات یافتگان و یا شاهدان بودند، نوعی از فشار روانی را تجربه کرده بودند بشمول خشم، ترس، استرس، افسردگی، اضطراب، دلهره یا احساس گناه نجات. بسیاری از کسان حمایت روانی یا مشاوره روانی را دریافت کرده بودند و یا در حال دریافت کردن بودند و میخواستند این حمایت ادامه یابد. برخی گفتند که همسران و فرزندان شان هم فشار روانی داشته اند.

10 بسیاری از اعضای whānau، نجات یافتگان و شاهدانی را که ما هم صحبت کردیم میگفتند مشکلاتی را در خواب تجربه می کردند بشمول ترس از دیدن خواب هایی که در صورت بیداری با آن مواجه نمیشدند. تجربه دیدن افراد در آخرین لحظات زندگی شان هراس آور بوده است. ما مثال هایی را شنیدیم مبنی بر کابوسهای که این نجات یافتگان بشکل متداول با آن دست و پنجه نرم میکردند. آنها برای ما گفتند:

بهتر است بیدار بمانیم و با مردم گپ بزنیم، بجای اینکه بخوابیم و کابوس ببینیم.

11 ما از والدین فرزندانیکه از حمله تروریستی بر مسجدین جان به سلامت برده بودند شنیدیم که آنها دیگر آنچنانیکه قبلا بودند دیگر نیستند. بعضی از این اطفال تغییرات رفتاری داشته اند، نمیخواهند به مکتب بروند و از صدا های بلند بشکل متداول میترسند. یکی از والدین به ما گفت که هرچند فرزند شان ازین حادثه تروریستی جان به سلامت برده است، او فکر می کند که دیگر فرزند خود را از دست داده است.

12 بعضی از افراد در مورد تاثیرات دراز مدت بر اطفال نگران بودند، و فکر می کردند که آنها ممکن است این خشم را با خود در آینده ببرند. برای ما گفته شد که کار با اطفال مسلمان در کرایست چرچ لازم است، آنها نیازمند حمایت عملی هستند تا ازین حمله تروریستی بشکل دراز مدت بیرون بیایند.

13 به ما گفته شد که بعضی از شاهدان این حمله تروریستی که جروحات فیزیکی ندیده بودند، از حمایت نیز برخوردار نشده اند الی اینکه فرد سومی وارد شده و به آنها کمک کند. عده ای دیگر که تلاش کردند حمایت حاصل کنند، برایشان گفته شده است که واجد شرایط نیستند و یا اینکه بعنوان قربانی توسط نهادهای دولتی و غیر دولتی شناخته نشده اند. ما از تعدادی از مردم در مورد کمبودات در دریافت انواع کمکها دریافتیم که زیلا بحث میشوند.

تاثیر ثانوی

14 whānau متاثر، نجات یافته گان و شاهدان حمله تروریستی تاثیرات ثانوی دیگری را با ما در میان گذاشتند که تاثیر قابل توجهی بر زندگی های آنان داشته است. روابط عده ای از افراد (با همسران، whānau و دوستان شان) متاثر شده است. این در نتیجه مسایلی از قبیل داشتن نظرات مختلف در مورد توزیع کمکهای مالی دولت که میان whānau پدید آمده و یا تاثیرات روانی ای که حادثه بر عزیزان این افراد داشته اند باعث بروز چنین مشکلات شده است. تعداد زیادی از اعضای whānau از خارج کشور آمده بودند تا در کنار عزیزان شان بعد از این حمله قرار داشته باشند. این امر باعث نتایج بسیار منفی خواهد گردید و چنانچه که ما دریافتیم:

... میتواند برای اعضای خانواده ای که در خارج زندگی های باثبات و وظایف موفق دارند تاثیرات ناگواری داشته باشد. در نیوزیلند، تجربه کار و تحصیلات آنها به احتمال قوی پذیرفته نمیشود و در دراز مدت استرس و افشار آن را میتوان بر یک واحد آسیب پذیر خانوادگی مشاهده کرد.

15 در بسیاری از whānau که ما ملاقات کردیم، شوهر کشته شده بود یا شدیداً مجروح گردیده بود. برای بعضی از زنان در این whānau، عواقب این حمله فراتر از تاثیر روانی حمله تروریستی بود. برای بسیاری از این افراد، این به معنای از دست دادن نان آور اصلی whānau بود. بعضی از زنان نقشهای جدیدی را در whānau اشغال می کنند و مهارت های جدیدی از قبیل رانندگی یا سواد آموزی را فرا می گیرند. در عین حال، این زنان بشکل همزمان نقشهای بیشتری والدینی را ایفا می کنند، در حالیکه خود شان باید با غم و اندوه خود نیز کنار بیایند. این باعث محدود شدن وقت شان می گردد و آنها نمیتوانند حمایت لازم برای خود دریابند و یا وارد مشغله یا تحصیل شوند.

16 عده ای از افراد با مرگ یا مریضی زود هنگام بعد از حمله ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ مواجه شدند که به باور whānau آنها از تاثیرات این حمله تروریستی بوده است. ما از یک whānau دریافتیم که دو عزیز شان در ماههای بعدی از ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ مورد حمله قلبی قرار گرفتند و یکی از این حملات مرگبار بود. در هر دو مورد، اعضای whānau باور داشتند که حملات قلبی در نتیجه استرسی بود که بعد از حمله تروریستی پدید آمده بود. یک نجات یافته دیگر شوهرش را در نتیجه حادثه ترافیکی در روز های بعد از ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ از دست داد. او از آسیب روانی که شوهرش رنج می برد سخن گفت زیرا در این حمله تروریستی بسیاری از دوستانش کشته شده بودند و او بعد از آن با مشکل بیهوشی مواجه بود. خستگی که در نتیجه این بیهوشی پدید آمده بود، به باوراش درین حادثه ترافیکی نقش داشته است.

حمایت وسیع تر از سوی اجتماعات نیوزیلندی

17 بعضی از افراد بدلیل حمایت نیوزیلندی های غیرمسلمان احساس خوبی داشتند. آنها در مورد نیت خیری که مردمان از سراسر کشور با آنها اظهار کرده بودند، صحبت کردند. حسی وجود داشت که این فرصتی برای بهبود پیوند اجتماعی، وحدت و همبستگی میان اجتماعات بوده است.

18 ما اظهار امتنان در مورد حمایت های رسیده از دوستان و همسایه ها را ثبت نمودیم و یکی از اعضای whānau متاثر گفت که این تشویق ها باعث گردید تا آنها در نیوزیلند باقی بمانند هرچند آنها به فکر بیرون رفتن از کشور از بابت این حمله بودند. امید وجود داشت که حمایت صورت گرفته توسط نیوزیلندیها ادامه خواهد داشت و با مرور زمان فراموش نخواهد شد.

دریافت حمایت درست از ادارات دولتی چالش برانگیز است

19 در کنار ابراز امتنان از حمایت و همدردی کلی از سوی مردم نیوزیلند، ما موارد از شکایت از سوی whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان حادثه در مورد چگونگی برخورد ادارات دولتی در زمینه حمایت را نیز شنیدیم. مسایل عمده ای که درین

زمینه مطرح گردیده بود مربوط میشد به نبود فهم فرهنگی، نبود تلاش برای بهبود ظرفیت فرهنگی و وجود پالیسی ها و روش هایی که برای حمایت مردم در چنین یک وضعیتی عملی نبوده است.

نبود فهم فرهنگی

20 بسیاری از افرادی که ما با آنها گفتگو کردیم از نبود کلی فهم فرهنگی در میان کارمندان ادارات دولتی در مورد عقاید و رسوم و رواج مسلمانها حکایت کردند.

به خانواده های قربانیان خدماتی پیشنهاد گردیده اند که مبادله ای، کوتاه مدت و نسبتاً کوتاه فکانه هستند. هیچ تلاش آگاهی صورت نگرفته است تا چگونگی کارایی اجتماع قربانیان را درک کرد، یا پیچیدگی های آن را برسمیت شناخت و یا تجربیات عاطفی و خاطره نهفته درین داستان را فهمید.

21 به ما گفته شد که این خلا ها شناسایی نشده و ادارات دولتی تلاش های اندکی برای رسیدگی به آنها روی دست گرفته است.

بجای اینکه در مقابل این چالش ظرفیت های خود را از طریق آموزش های مذهبی، بالا ببرد و خدمات را بهبود بخشد، ادارات یا هیچ نوع آموزش نمی بینند و یا بر افرادی از داخل اجتماعات مسلمان تکیه می کنند که هیچ تجارب در زمینه آموزش ظرفیت قومی و مذهبی ندارند تا آنها را رهنمایی نمایند، و در نتیجه این اقدامات طورنمایشی باقی می ماند.

22 ما دریافتیم که خدمات و حمایت ارائه شده توسط ادارات دولتی و غیر دولتی بسیاری از وقتها بدون پذیرش ماهیت متنوع اجتماعات مسلمانها صورت می گیرند و در نتیجه به نیازمندی های مختلف این اجتماعات توجهی صورت نمی گیرد. نمازگزاران مسجد النور و مرکز اسلامی لینوود از ۵۰ کشور مختلف بودند. میان آنها مرزبندی های زبانی و فرهنگی وجود دارند که بر اساس آنچه به ما رسیده است، فضای ارتباط گیری با نهاد های دولتی را بیشتر از پیش پیچیده تر می سازد. ما دریافتیم که:

... تقریباً یک سال بعد از حمله، خانواده ها هنوز هم منتظر خدماتی هستند که به حساسیت های فرهنگی و زبانی آنها پاسخگو باشند و نیازمندی های پیچیده آنان را جواب بگویند.

23 بعضی از whānau احساس داشتند فعالیت هایی که به نیازهای آنها چه فرهنگی، فیزیکی، روانشناسی وامثال آن باشد وجود ندارند. در نتیجه، آنها احساس می کردند طوری که نهاد های دولتی حمایت ها را ارائه کرده اند بهترین روش ممکن نبوده و در نتیجه تصویری پدیده آمده است که گویا ادارات دولتی بر علیه آنها تبعیض می کند.

24 ملاقات هایی که توسط ادارات دولتی تنظیم گردیده اند، بعضی وقتها بدون مترجم برگزار میشدند و یا زبانهای مربوطه در آنجا ارائه نمیشدند. برای ما گفته شد که این مشکل در زمان مصاحبه های پولیس با whānau، نجات یافتگان و شاهدان در طول تحقیقات در مورد حمله تروریستی نیز وجود داشته است. بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر از یک مصاحبه میشدند در بعضی از موارد نیازمند کمک اعضای whānau خود بودند تا مفهوم آنچه پولیس از آنها می پرسیدند را بفهمند. آنها میگویند این امر باعث افزایش آسیب روانی و استرس برای افراد مصاحبه شونده و همان عضو whānau که برای آنها ترجمه می کرده شده است.

25 به ما همچنان گفته شد که نبود ترجمه مناسب موجب چالش برای مردم در فهم گزینه های حمایتی که برای آنها وجود داشته و چگونگی دسترسی به آن را پیچیده ساخته است. در بسیاری از موارد، مردم بر اعضای whānau شان برای ترجمه متکی بوده اند و برای ما گفته شد که اعضای whānau ممکن در انتقال اطلاعات بیطرف نبودند.

26 ما همچنان از اعضای whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان دریافتیم که آنها در دریافت ویزا ها اعضای whānau شان که مجبور به آمدن به نیوزیلند بودند تا در کنار آنها باشند، با مشکلات مواجه بودند. بطورمثال، خانم هایی که شوهران خود را از دست داده بودند و یگانه اعضای whānau که در خارج بودند میتوانند در کنار آنها باشند، دریافتند که نیوزیلند فقط ویزاهای کوتاه مدت برای whānau شان ارائه می کند. این امر با نیاز درازمدت آنها مبنی بر دریافت کمک whānau در امر بهبود شان مطابقت نداشته است.

27 مردم همچنان در مورد این مقررہ دولت که فقط افرادی که در تاریخ ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ در نیوزیلند بودند، واجد شرایط دریافت ویزای خاص دولت هستند نیز نگران بودند. بعضی از آنها میگفتند که برای مقابله با وضعیت استثنایی آنها، انعطاف پذیری دیده نشده است.

پالیسی ها و روش های لازم برای نیازمندی های حمایت از بهبود به حد کافی عملی نیستند

28 ما در مورد اینکه ادارات دولتی تا چه حد با اعضای whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان همکاری داشته اند مسایلی زیادی را دریافتیم. در حالیکه مردم گفتنی های زیادی در مورد حمایت سخاوتمندانه ادارات دولت بلافاصله بعد حمله تروریستی داشتند، به ما همچنان گفتند که ادارات دولتی غیرهماهنگ و غیرانعطاف پذیر بودند.

29 در جریان این گفتگو ها، ما از اعضای whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان دریافتیم که این مسئله باعث زنده شدن آسیب های روانی آنها و ایجاد استرس مزید برای آنها بوده است. به ما گفته شد که:

...اگر آسیب روانی بمعنای عدم توانایی یک نفر در گپ زدن، عدم توانایی او در انتقال مفهوم، عدم توانایی او در کنار آمدن، و درک احساس از دادن است، پس در آنصورت تجربه هایی که با ادارات دولتی در چند ماه بعد از حمله صورت گرفته، یک روند ایجاد مجدد آسیب روانی بوده است، زیرا اینها تاثر منفی در امر بهبود نجات یافتگان داشته است:

30 ما دریافتیم که چگونگی برخورد ادارات دولتی با whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان حمله تروریستی باعث احساس ضعف و ناتوانی در میان مردم شده است و به مشکلات آنها افزوده است.

فعلا، تعداد زیادی از قربانیان احساس ناتوانی در گذراندن روز های شان می کنند، چه به لحاظ مالی یا عاطفی. این بدلیل آن است که خدمات بشکل اداره میشود که احساس ناتوانی را افزایش میدهد و نبود یک برنامه بازسازی و بهبود مجدد - بشمول حمایت مادی برای بازسازی اجتماعی و حمایت لازم برای رسیدگی به نیازمندی های اجتماعی و مذهبی مردم این احساس ناتوانی را در میان مردم تقویه می کند.

31 به ما گفته شد که هدف بیانیه های تاثیر قربانیان برای اعضای whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان توضیح داده نشده بود. برای ما گفته شد که آنها نیازمند حمایت لسانی بودند اما کارمندان محاکم وزارت عدلیه برای آنها گفتند که مترجمین قبل از محاکمه برای آنها معرفی نمی گردند. این باعث شد که بعضی از whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان نتوانند در روند مشارکت نمایند. یکی از افرادی که با ما صحبت کرد گفت که این روند در ابتدا باعث شد که آنها بر تاثیرات منفی حمله تروریستی تمرکز کنند که این امر برایشان هیچ قدرت آفرین نبود. بیانیه ای که البته آنها بالاخره در محکمه ارائه کردند قدرت آفرین بود، که البته براساس فورمیکه به آنها فراهم شده بود نبود.

این یک امر حیاتی است که به اجتماعات متأثر از
واقعه گوش داد، از آنها حمایت کرد و با آنها کار
کرد. فقط با روی دست گرفتن همزمان این سه
امر میتوان خدمات و حمایت لازم را به آنها ارائه
کرد.

32 بعضی از اعضای whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان در مورد تفاوت میان بیانیه های تاثیر قربانیان و بیانیه های اولیه که توسط پولیس نیوزیلند در جریان تحقیق پولیس در مورد حمله تروریستی به آنها داده شده بودند گیج شده بودند.

نبود هماهنگی میان ادارات دولتی

33 چندین نهاد دولتی در امر حمایت از بهبود کسانیکه از حمله تروریستی نجات یافته بودند یا آنهایی که عزیزان شان را از دست داده بودند دخیل هستند. whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدانی که با این ادارات در تماس بوده اند، بخصوص شرکت خسارات حوادث، وزارت انکشاف اجتماعی، و حمایت قربانیان در مورد مداخله بین الادارات در زمینه فراهمی خدمات، همچنان از خلا های عملیاتی، و نبود هماهنگی میان ادارات سخن گفتند.

این نبود مراقبت همراه است با نبود هماهنگی. این فقط یک یا دو ملاقات، یک یا دو اداره نیست، بلکه همه آنها هستند، همه در یک وقت.

34 این امر باعث افزایش استرسی میشده که whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان احساس میکردند و آنها اکثرا مجبور بودند داستان دشوار خود را چندین بار تکرار کنند، و بعد از گذشت ۱۸ ماه از حمله تروریستی، هنوز هم مجبور اند چنین کنند.

35 دشواری در تماس و برخورد با چندین نهاد های دولتی بدلیل نبود تشریک اطلاعات میان ادارات مختلفه و عدم توانایی در دریافت راه های حل عملی برای رسیدگی به نیازمندی مطروحه افزایش یافته اند.

ادارات بشکل انفرادی عمل می کنند و نمی خواهند اطلاعات را با همدیگر شریک سازند، و این باعث میشود که قربانیان مجبور شوند تا چندین نفر در داخل یک اداره روابط برقرار کنند. این واضح شده است که ادارات دولتی از قانون محرمیت ۱۹۹۳ استفاده می کنند تا با یک دیگر اطلاعات را شریک نسازند.

36 عده ای دیگر اظهار نظر نمودند که بهتر میبود whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان حادثه با یک اداره دولتی در تماس میبودند و کار های خود را از طریق آن انجام می دادند.

37 به ما گفته شد که این چالش ها برای مهاجرین قبلی که در میان whānau، نجات یافتگان و شاهدان بودند بیشتر بوده است.

این اجتماعات کمتر توانایی عبور از روند های پیچیده ادارات دولتی را دارند یا فهم آنها از موانع اداری در زمان برخورد با دولت کمتر است، بشمول فهم لازم از پالیسی های که برای قربانیان طرح گردیده اند.

38 همراه با نبود فهم فرهنگی لازم که در بالا تذکر یافت، عده ای به این عقیده بودند که حمایت فراهم شده برای نیازمندی های مهاجرین قبلی که در میان whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان بودند کافی نبوده است.

39 یکی از نگرانی های متداول که ذکر شد این بود که ادارات دولتی و نهاد های غیر دولتی یک تعریف مشترک یا شرایط لازم برای شناسایی یک نفر بحیث قربانی را ندارند و پیچیدگی های فرهنگی را در نظر نمی گیرند. بطور مثال، در حالیکه قانون حقوق قربانیان ۲۰۰۲ اعضای خانواده را از جمله «گروه های خانوادگی برسمیت شناخته شده در فرهنگ» تعریف می کند، دریافت کمک البته بسیاری از وقت ها شامل یک تعریف سخت تر خانواده می گردد.

تصور غربی یک خانواده مورد پذیرش ادارات است و بسیاری ازین ادارات گروه های فامیلی مطابق با معیار های فرهنگ های دیگر را نمی پذیرند.

40 به ما گفته شد که چگونه تعریف ادارات دولتی از خانواده روی توانایی مردم برای دسترسی به خدمات حمایتی دولت تاثیر گذار بوده است، بالاخص در زمینه سرگیچی آنها در دریافت خدمات حمایتی. همه اینها باعث ایجاد مسایل طبی، روانی و کاریابی برای whānau یی گردیده اند که قبلا در موقعیت آسیب پذیر حتی پیش از حمله تروریستی قرار داشتند.

41 ما همچنان در مورد عدم تسلسل در درجه بندی های افرادی که بحیث قربانی شناخته میشوند نیز شنیدیم. بصورت مشخص، به ما گفته شد که سطح حمایت ارائه شده مطابق با افرادی که در ادارات دولتی کار می کنند تغییر میکند. این باعث ایجاد این تصور برای بعضی ها گردیده است که گویا ادارات دولتی سلسله مراتبی از قربانیان دارد و لیست الویت بندی شده برای آنها، و این امر باعث بروز نارضایتی و اختلافات در روابط شده است.

42 بعضی از whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان میگویند که میان آنچه وزرا بشکل علنی وعده داده بودند و آنچه ادارات دولتی با وضعیت های انفرادی عمل می کنند، تفاوت وجود دارد. به ما گفته شد که ادارات دولتی وعده کمک می کنند و سپس آنرا تکمیل نمی کنند، و بسیاری از وقتها یک توضیح مناسب برای این کار خود هم ندارند. درخواست کمک چندین بار رد گردیده است بدون اینکه whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان فرصتی برای فراهم آوری اطلاعات داشته باشند و یا توضیحی اینکه تصمیم رد شده درخواست را دریافت کنند.

نبود انعطاف در رویکرد ها

43 در حالیکه بسیاری از مردم بخاطر حمایت های صورت گرفته اظهار امتنان کردند، ما همچنان دریافتیم که در بعضی از موارد، حمایت دولتی موجود برای آنهایی از حمله تروریستی متاثر شده اند کافی نبوده است، و یا اینکه آنهاییکه واجد شرایط آن کمک ها هستند، همیشه در مورد حقوق خود آگاه نبودند. این نگرانی که به ما اظهار گردید این بود که رویکرد یکجانبه سکنتور دولتی برای رسیدگی به ضرورت های مردم کافی نبوده است.

در حالیکه این ادارات نیت خیر دارند، قربانیان چالش های متعددی را نام بردند بشمول چالش های مالی، طبیی، فزیک، عاطفی و روحی... پیام تکراری که ما درین گزارش های قربانیان دریافت کردیم این بود که دولت برای فهم و رسیدگی به نیازمندی های آنان به حد کافی منظم نیست.

- 44 ما دریافتیم که حمایت ارائه شده توسط نهاد های دولتی بیشتر روی کمک های کوتاه مدت متمرکز است و این شامل یک رویکرد فرهنگ آگاهانه برای نیازمندی های دراز مدت این اجتماعات متأثر از حمله تروریستی کافی نیستند. بطور مثال، به ما گفته شد که یکی از راه های بهبود اجرای برنامه هایی است که این اجتماعات را خودکفا بسازد تا آنها متکی و وابسته به دولت باقی نمانند. این میتواند شامل قرضه های بدون سود (که با در نظر گرفتن محدودیت های مذهبی در مورد سود است) برای حمایت از تجارت ها باشد، بجای روش فعلی ارائه کمک های کوتاه مدت که شرکت ها را وابسته به دولت نگه می دارد.
- 45 یکتعداد از مردم باور داشتند که شرکت خساره حوادث انعطاف کافی در سیستم خود ندارد و پیچیدگی های بوجود آمده در اثر جروحات تفنگ، بشمول باقی ماندن چره ها در داخل بدن و جروحات عصبی را حساب نمی کند. بطور مثال، یک نجات یافته از اینکه توقعات این شرکت با مشاوره طبی او مطابقت نداشت احساس ناراحتی می کرد. این نجات یافته می گفت که شرکت متذکره بر او فشار آورده است که به کار برگردد در حالیکه مشوره طبی این بوده که او فعلا توانایی چنین کاری را ندارد.
- 46 این چنین احساسات در مورد ادارات دیگر دولتی نیز اظهار گردید. بطور مثال، خانم هایی که شوهران شان تنها نان آور خانواده بودند تحت فشار وزارت انکشاف اجتماعی قرار گرفته اند تا کودکان شان که هنوز مکتب رو نیستند را تحت مراقبت نگهدار بگذارند و به کار یابی بروند.
- 47 به ما گفته شد که مسایل مهاجرتی باید بشکل قضیه ای دیده شود و پیچیدگی های موجود در هر whānau خاص باید در نظر گرفته شود. این بالاخص مشکلی برای جامعه سومالی بود که عزیزان خود را درین حمله از دست داده بودند و یا از حمله تروریستی جان به سلامت برده بودند. ما دریافتیم که مقررات مهاجرتی که برای حمایت از کسانی که از حمله تروریستی زیان برده بودند، چالش های خاصی را برای whānau سومالی بوجود آورده بودند که به باور آنها بدلیل عدم پذیرش پاسپورت سومالی بعنوان یک پاسپورت مجاز توسط نیوزیلند است (هر چند بعضی از ادارات دولتی آن را بخاطر پیشبرد کار های مهاجرت می پذیرند). این امر باعث میشود آنها در دریافت کمک whānau شان از سومالیا با مشکلات مواجه شوند و در برخی موارد whānau همچنان منتظر باشد تا پیشرفتی حاصل شود.
- 48 بعضی ها مشوره دادند که نیوزیلند باید یک برنامه خاص ویزا را برای whānau تشکیل دهد تا آنها بر اساس دراز مدت و میان مدت بتوانند سفر کنند و این در رسیدگی به مسایل اندوه شان کمک خواهد کرد.
- 49 ما همچنان در مورد کمبودات در حمایت های موجوده برای whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان مطلع شدیم. شرح آن چنین است:
- ... آسیب روانی عمیق بخاطر مجزا شدن از روند جزایی و عدم توانایی برای درک اشتراک معنا دار در این روند.
- 50 ما دریافتیم که بخاطر شنیده نشدن حرف مردم در سیستم قضایی یک احساس نا توانایی بوجود آمده است. مشکلات و مسایلی که قربانیان این حمله درین زمینه روبرو هستند بخشی از مسایل عمومی ای هستند که مردم در نیوزیلند و سیستم قضایی آن تجربه می کنند. مسایل و نگرانی هایی که نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه داشته اند مبنی بر عدم ارتباط میان اصول حقوق قربانیان چنانچه در قانون قربانیان آمده است، و تجربیات قربانیان از سیستم جزایی عدلی بوده است بشمول برگشت آسیب روانی.
- 51 بعضی از اعضای whānau، نجات یافتگان و شاهدان گفتند که در زمان حضور در محکمه، در یک مورد، آنها احساس ترس کردند چون یک فرد در بیرون محکمه ایستاده بود و همانطور که whānau و بازماندگان وارد محکمه می شدند نظرات برتری جویانه سفید پوستان را با ورود آنها بیان می کرد.

52 بعضی از مردم شکایت داشتند که نیازمندی های کسانی که شاهد این حادثه بودند اما جروحات فزینی نه برداشته بودند، بدرستی توسط نهاد های دولتی در نظر گرفته نمیشود. ما در یافتیم که بسیاری از این شاهدان از اضطراب بعد سانحه رنج می برند اما آنها احساس می کنند که حمایت ناکافی به آنها صورت می گیرد زیرا آنها با تعریف قربانی در بسیاری از ادارات دولتی منطبق نیستند.

نبود آگاهی کارمندان

53 برخی از مردم احساس می کردند که حساسیت و آگاهی ادارات دولتی در مورد افرادی که قرار بود از آنها حمایت کنند وجود ندارد و به نظر میرسد که آنها در برخورد با افرادی که با آسیب روبرو هستند بیتجربه هستند. به ما گفتند: ... نیاز است اینکه ادارات باید «آگاهی در مورد نیازمندی های عاطفی» قربانیان داشته باشند.

54 این برای بعضی از whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان آشکار شد که آنها با ادارات دولتی ملاقات کردند و احساس کردند که کارکنان در صورت آشکار بودن یا خانواده شان طور کافی پاسخگو نیستند. از بعضی از افراد اطلاعات بیش از حد فراهم شده است در حالیکه قادر به اجرای صحیح کارکنان آن نبوده اند:

جایی که نیاز به شنیدن فعال است، سرازیری اطلاعات، جایی که نیاز به دادخواهی است، ملاقات های بی پایان است.

55 اینجا سوال مطرح شد که آیا کارمندان دولتی آموزش مناسب یا حمایت کافی برای رسیدگی به مردمانی که دچار آسیب روانی شده اند را دارند.



فصل ۳: زندگی در نیوزیلند بحیث یک مسلمان

۱ اکثر whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدانی را که ما ملاقات کردیم از خارج به نیوزیلند آمده اند. طول مدتی که آنها در آنجا زندگی کرده اند از چند ماه به دهه ها می رسد. برای بعضی آنها، این بدان معنا بود که تجربه نیوزیلند بر اساس مقایسه آنها با آنجایی که آنها از آنجا آمده بودند بود.

بسیاری از قربانیان آسیب روانی بین نسلی رنج میبرند بدلیل فراری شدن شان به نیوزیلند که اولین باراست. آنها قبلاً عزیزان خود را یا از دست داده یا در جا گذاشته اند، و نظام حمایتی کافی برای رسیدگی به این آسیب های روانی ندارند.

۲ ما با بعضی از whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان متولد نیوزیلند که مسلمان بزرگ شده بودند صحبت کردیم و آنها هیچ نقطه مقایسوی برای تجربیات شخصی خود نداشتند. ما همچنان با افرادی صحبت کردیم که در نیوزیلند به دنیا آمده بودند و بعداً مسلمان شده بودند.

تصور در مورد نیوزیلند عمدتاً مثبت است، اما نژادگرایی، تبعیض و اسلام هراسی وجود دارد

۳ اکثر whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان میگویند که تجربیات آنها از نیوزیلند و نیوزیلندی ها قبل از حمله تروریستی ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ عموماً مثبت بوده است. آنها میگویند که نیوزیلند محل امن بوده است و همسایه های شان همیشه با آنها رفتار مناسب داشته اند. آنها در محل کار شان با هیچ نوع مشکلات مذهبی روبرو نبودند و زمان کافی برای رفتن به نماز جمعه و ادای نماز های روزمره را داشتند.

۴ با وصف این تجربه مثبت، تقریباً تمام افرادی که ملاقات کردیم شخصاً موارد نژادپرستی یا تبعیض را تجربه کرده بودند و یا whānau و دوستانی را می شناختند که به شکلی از اشکال نژادپرستی یا تبعیض مواجه شده بود. یک دیدگاهی که با ما در مورد حمله تروریستی ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ شریک شد، این بود که:

... متفاوت از آنچه عموم فکر می کنند، این حمله نتیجه تجربیات روزمره مسلمانها بود تا یک حادثه مجرد و استثنایی.

۵ زنان مسلمان نسبت به مردان مسلمان به دلیل پوشیدن حجاب و واضح بودن نظام اعتقادی شان مورد تبعیض بیشتر قرار می گیرند. بسیاری از زنان حجاب داری که ما با آنها گفتگو کردیم در مورد انزیت و آزار کنار جاده سخن گفتند و بعضی از افراد گفتند که در مورد اعضای whānau شان که حجاب می پوشند نگران هستند. بعضی از زنان حجاب دار گفتند که از رفتن به بیرون با حجاب می ترسند. آنها گفتند که بعد از حمله تروریستی آنها از کار های بسیار ساده ای که قبلاً هرروز انجام می دادند می ترسند.

۶ بعضی از والدین در مورد جملات منفی و مغرضانه ای صحبت کردند که اطفال شان در مکتب یا در کوچه و بازار با آن مواجه شده اند. مردمانی بوده اند که در وقت راه رفتن با کلمات رکیک نژادپرستانه از سوی کسانی که بر موتر سوار بودند مواجه شده اند. بعضی از مردم فکر می کردند این تجربیات بدلیل عدم فهم یا تصویر نادرست مسلمانهاست، اما بهرحال به این عقیده بودند که این رفتار زیان آور است.

۷ بعضی از مردم از تبعیض در دریافت کار و یا در فضای کاری سخن گفتند. مردم شاکی بودند که با وصف داشتن مدارک لازم برای کار، آنها نمیتوانند کار یابند. آنها باور دارند که این بدلیل نام های غیر انگلیسی آنهاست. یک خانم گفت که زمانی نامش را به یک نام انگلیسی تبدیل کرد، کار های بیشتری دریافت کرد.

۸ یک عده ای مردم گفتند که آنها حوادث نژادپرستانه را به پولیس نیوزیلند گزارش دادند اما احساس نمی کنند هیچ نتیجه مثبتی از آن آمده باشد. یا گزارش اصلاً ثبت نشده بود و یا آنها احساس کردند پولیس نیوزیلند این چنین حوادث را جدی حساب نمی کند. آنها از پولیس نیوزیلند در مورد پیگیری شکایت شان هیچ پاسخی دریافت نکردند. برای بعضی ها، این باعث از بین رفتن اعتماد به پولیس نیوزیلند شد، و شکوکی را در مورد اینکه پولیس در مقابل چه نوع گزارش ها عمل می کند و یا نمی

کند، بوجود آورد. اینچنین تجربیات باعث دل شکنی مردم از مطرح کردن شکایات شان به پولیس نیوزیلند گردید. به ما گفته شد:

... هر دو مسجد متاثره توافق دارند که با وصف گزارش های متعدد از رفتار مشکوک در حول و اطراف مسجد، پولیس توجه ناکافی داد. برای مردمان این جامعه، این مسئله به معنای غفلت در وظیفه حفاظت است همچنان عدم پذیرش اینکه مسلمانها همیشه مورد تبعیض، تعصب، و افراتیت راستگرایان برتری خواهی سفید پوست قرار داشته اند، و ازینرو لازم بود تا توجه خاص، پاسخ دهی ویژه و آمادگی لازم را از طرف پولیس شاهد میبودیم.

9 در بعضی از موارد دیگر، مردم گفتند که آنها دیگر حوادث نژادگرایانه را اصلا گزارش نمی دهند چون افراد دیگر در جامعه شان این را کرده اند و هیچ نتیجه مثبت دریافت نکرده اند. یکی از افراد این را چنین بیان کرد:

... فعلا ما هیچ تماسی نداریم چون ما احساس می کنیم که بحیث یک اجتماع ما حیثیت درجه دو را داریم. آنها به ما این احساس را می دهند، و ما این اعتماد را از پولیس دریافت نمیکنیم. اگر از طرف مقابل به شما چنین احساس عدم اعتماد داده شود، شما خسته میشوید و دیگر نمیروید. بعد از مدتی شما هم اعتماد خود را از دست می دهید. و این یک امر خطرناک است چون مردم نیاز به پولیس دارند و اعتماد میان پولیس و مردم یک امر ضروری است. پس چگونه میتوانیم این خلا را پر کنیم و احساس درجه دو بودن را از بین ببریم؟

10 بعضی از whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان گفتند که تجربیات آنها در نیوزیلند بعد از ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ تغییر کرده اند. هرچند عده ای از کسان گفتند که آنها هنوز هم در نیوزیلند احساس امنیت می کنند، عده ای دیگر باور داشتند که احساس امنیت شان کمتر شده است. نگرانی ها در مورد امنیت باعث شده است بسیاری از whānau میخواهند در محوطه های دیوار دار زندگی کنند و میخواهند که پولیس نیوزیلند توجه بیشتر به امنیت آنها مبذول دارد. یک تعداد از افراد گفتند که بعد از حمله ۱۵ مارچ ۲۰۱۹، پولیس شکایات آنها مبنی بر برخورد های نژادپرستانه را جدی تر گرفته اند.

تاثیر تعصب (خودآگاه یا ناخودآگاه) در رسانه ها

11 برای بسیاری از whānau متاثر، نجات یافتگان و شاهدان این حمله، حادثه ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ غیر قابل پیش بینی نبود. ما دریافتیم که:

نشانه هایی از آمدن این روز را میشد دید. این همه مشهود بودند اما توسط کسانی که صلاحیت انجام عمل را داشتند نادیده گرفته شدند.

12 به ما گفته شد که این حمله بر علیه یک مردمی صورت گرفته اند که همواره مورد سوء تفاهم ادارات دولت قرار گرفته است که هیچگاه تنوع داخلی جامعه مسلمان و مشکلات خاص آن را نفهمیده اند. مردم احساس داشتند که یک تعصب ناخودآگاه در مورد ادارات دولتی در مقابل مسلمانها پیش از حمله و بعد از آن وجود داشته است.

هرچند این برای کسانی که بیرون از این جامعه زندگی می کنند واضح نباشد، رابطه میان گفتمان عمومی اسلام هراسی و راه های خاصی که ادارات دولتی با جامعه مسلمان برخورد می کند را میشود در داستان های قربانیان مشاهده کرد.

13 بعضی از افراد تعداد رو به افزایش نظرات نژادپرستانه را با مرور زمان در شبکه های اجتماعی می دیدند. آنها از ما خواستند که تهدیدات اینترنتی را جدی بگیریم و در مورد آنها تحقیق کنیم. این افراد به ما ویدیو های یوتیوب و صفحات فیسبوک نشان دادند که مملو از پیام های نژادپرستانه و اسلام هراسانه بود و مایه نگرانی کسانی بود که آن را به ما گزارش می دادند. این ها

همه ساخته افرادی بودند که در نیوزیلند مستقر بودند. آنها شاکی بودند که پولیس اقدامات بالفور نمی کند و بر عکس ویب سایت های افراطی اسلامی که زود از بین برده میشوند، این ویب سایت ها دیرتر باقی می مانند.

14 اعضای whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان اعتقاد شان مبنی بر اینکه تعصب نهفته را در تلویزیون های نیوزیلندی و بین المللی و رسانه های چاپی می بینند شریک ساختند. آنها گفتند که گزارش های مغرضانه بعد از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در امریکا افزایش یافته است. به باور آنها، این برخورد رسانه ها باعث افزایش نظرات ضد مسلمان در نیوزیلند و سرتاسر جهان شده است. به ما گفته شد که:

... رسانه های مسلمان ها را اهریمن سازی می کند، یا حداقل در پاسخ دهی به چنین تلاش ها ناکام بوده است، و این بمعنای افزایش روزبروز نژادگرایی در کشور است.

15 ما در مورد تاثیرات منفی گزارش های رسانه ای بر زندگی های روزمره مردم آگاه شدیم، بشمول تصورات غلط در مورد اسلام که در دشنام های نژادگرایانه ای که بر علیه مردم در کوچه ها داده میشود هویداست. برای مسلمانان کرایست چرچ، این دشنام ها در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت زمانیکه یک گزارش رسانه ای مدعی شد که اتهام های مبنی بر افراطی شدن یک فرد در یکی از مساجد کرایست چرچ بوجود آمده بود. این گزارش رسانه ای تاثیرات قوی بر جوامع مسلمان کرایست چرچ داشت، و در سال های متمادی چندین حادثه حمله، اذیت و سرقت در آنجا دیده شده است. یکی از نجات یافتگان حمله می گوید که بعد از گزارش رسانه ای ۲۰۱۴، او بیشتر مراقب امنیت خود بوده است.

16 احساس دیگری که درینجا وجود داشت این بود که رسانه ها تصویر نادرست از فرد مسئول حمله ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ ارائه کرده اند. مقاله های مطبوعاتی مثلاً به این پرداخته بودند که «یک پسر خوب» چگونه «بد» شده بود؟ whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان احساس داشتند که اگر بجای او یک مسلمان چنین عملی را مرتکب میشد، هیچ کس بر احتمال خوب بودن تمرکز نمیکرد.



فصل ۴: سوالات مطرح شده در مورد فرد و اینکه ادارات دولتی در مورد تروریست چه میدانستند

- 17 بعضی از whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدانی که ما ملاقات کردیم سوالات در مورد فردی که مسئول این حمله بود پرسیدند و یا نظرات خود را شریک ساختند. آنها باور دارند که این فرد قبل از حمله ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ از مسجد النور و مرکز اسلامی لینوود بازدید نموده بود. آنها مردی را شرح دادند که به باور آنها همین فرد بود و او در مکالمه های کوتاه با افراد مختلف مسجد النور بشمول امام مسجد شرکت کرده بود. آنها میگویند که اعمال او در مسجد، بشمول اوقات آمدن او برای نماز نشان میداد که او یک اشتراک کننده عادی مسجد نبوده است.
- 18 اکثرا اعضای whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان نمی توانستند بفهمند که این فرد چگونه توانست این همه فعالیت های آماده سازی و برنامه ریزی را بدون اینکه کشف شود انجام دهد. آنها باور دارند که او حتما باید توسط دوستان یا گروه های اینترنتی برای انجام این حمله تروریستی کمک شده باشد. آنها فکر می کنند که با در نظر داشت برنامه ریزی لازم برای این حمله، باید بیشتر از یک نفر درین برنامه ریزی دخیل میبود.
- 19 whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدانی که با ما صحبت کردند سوالات خاصی در مورد فرد داشتند که میخواستند از طریق گزارش کمیسیون سلطنتی به پاسخ های آنها برسند، بشمول:
- آیا او حمایت مستقیم یا غیر مستقیم برای انجام این حمله تروریستی داشت؟
 - او چگونه میتواند اسلحه و مهمات لازم برای انجام این حمله تروریستی را تهیه کند؟
 - او چگونه توانست این همه مهمات را جمع آوری کنید بدون اینکه مسئولین بفهمند؟
 - در حالیکه او به کشور های سفر کرده بود که خطراتی های مشورتی سفر دارند، چرا کارمندان اداره مهاجرت نیوزیلند او را بدرستی زمان ورودش به این کشور بررسی نکرده بودند؟
 - او چگونه فهمید که «بهترین زمان» برای دخول در مسجد النور یا مرکز اسلامی لینوود چه وقت است؟
- 20 این سوالات و سوالات دیگری که اجتماعات در مورد فرد و دانش ادارات دولتی در مورد او داشتند در گزارش ما پاسخ داده شده اند.



فصل ۵: راه‌ها حل پیشنهاد شده توسط whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر از واقعه

- 1 هدف اولیه ما برای ملاقات با whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان این بود که به آنها گوش دهیم. بر علاوه تشریک تجربیات و نگرانی‌های شان، آنها همچنان پیشنهادهای برای چگونگی رسیدگی به مسایل مطرح شده داشتند.
- 2 به ما گفته شد که whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان زمان برای بهبود لازم داشتند قبل از اینکه در روند‌ها اشتراک ورزند، بشمول تحقیق کمیسیون سلطنتی و (آنچه باید) محاکمه فرد میبود. بدلیل محدودیت زمانی آنها نمیتوانستند در آن اشتراک کنند هرچند این یک مرحله قدرت آفرین برای آنها بود. یک پیشنهادی که به ما ارائه شد این بود که یک روند عدالت دراز مدت بوجود آید که زمان بند نباشد. این روند در همکاری با whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان طراحی میشود و برای رسیدگی به نیازمندی‌های پیچیده موجود است. این چنین یک روند به قربانیان حسابدی، معالجه و یک فرصت اظهار تجربیات شان را میدهد و همچنان فرصتی برای دریافت انصاف، قید نبودن زمان باعث میشود این افراد بتوانند مطابق با آنچه برای خود شان راحت است فعالیت‌های لازم را انجام دهند.
- 3 به ما پیشنهاد گردید که یک تحقیق مستقل برای ارزیابی پاسخ پولیس نیوزیلند و شفاخانه‌ها به این حمله تروریستی صورت گیرد تا سوالات موجود درین زمینه پاسخ یابند.
- 4 whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان و اعضای گروه مرجع جامعه مسلمان در مورد اهمیت شفافیت از سوی دولت و ادارات دولتی به ما گفتند، بالاخص در مورد آوردن تغییرات در پاسخ به گزارش ما و تطبیق پیشنهادات آن. آنها به این باور بودند که نباید از اجتماعات بشکل مجرد خواسته شود تا ادارات دولتی را در مقابل مواد این گزارش پاسخگو قرار گیرند. بطورمثال برخی از نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر پیشنهاد کردند که باید یک وزیرمسئول نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر و عملکرد برا اساس پیشنهادات کمیسیون سلطنتی وجود داشته باشد؛ مانند وزیر مسئول برای (Pike River Re-entry) که تمام نهادهای مربوطه دولتی به آن وزیر گزارش می‌دادند.

امنیت بیشتر در مسجد

- 5 بعضی از مردم در مورد نیاز به امنیت بیشتر در مسجد النور و مرکز اسلامی لینوود و سایر اجتماعات اسلامی بشکل متداول سخن گفتند. راه‌های حل امنیتی که آنها پیشنهاد کردند شامل حضور پولیس نیوزیلند در ساحه، پوشاندن ورودی‌های مسجد، نصب کمره‌های امنیتی و ترتیبات دیگر امنیتی می‌گردید. اینها باید توسط دولت ارائه شوند. آنها همچنان پیشنهاد کردند که چنین ترتیبات امنیتی باید در همه محلات عبادت گرفته شوند نه صرفاً مساجد.

پذیرش حقوق بشر، تنوع و کاهش تاثیرات افراطیت مضر

- 6 تقریباً همه کسانی را که ما ملاقات کردیم به این باور بود که مبارزه با نژادگرایی و تعصب باعث میشود تا از حملات تروریستی دیگر در آینده نیوزیلند جلوگیری کرد. آنها گفتند که کلید ختم نژادگرایی در افزایش آگاهی در سرتاسر نیوزیلند نهفته است.
- ریشه این نفرت را باید بر کند. نژادگرایی را میشود از طریق رسانه‌ها از بین برد. پیام‌های صلح امیز باید داده شود.
- 7 عده‌ای مردم میگفتند که نیوزیلند باید قوانین سخت تری برای جرایم نفرت انگیز و بیان نفرت داشته باشد. یک تعداد ازین افراد پیشنهاد کردند که تعریف بیان نفرت انگیز در قانون حقوق بشر ۱۹۹۳ باید توسعه داده شود و شامل دشمنی بر علیه یک مردم بر اساس مذهب نیز گردد.

... احساس می کنیم که یک جامعه درجه دو
هستیم. آنها این احساس را به ما می دهند و ما
این چنین اعتماد را از پولیس (نیوزیلند) بدست
نمی آوریم. شما نمیتوانید بار بار نزد کسی بروید
که به شما احساس بی اعتمادی بدهد.

مردم نظرات مختلفی را با ما شریک کردند مبنی بر اینکه چگونه میشود به مردم در مورد فرهنگ ها و مذهب های متنوع آموزش داد، و بالاخص در مورد تنوع در جامعه نیوزیلندی. این ایده ها شامل ذیل بودند:

- ارائه معلومات در مورد چگونگی گزارش دهی وقایع نژادپرستانه،
- کمپاین های ضد نژادپرستی
- کمپاین های آگاهی عمومی در مورد فرهنگ ها و مذاهب متنوع
- وسیع سازی آموزش معلمین و نصاب مکاتب برای شامل سازی معارف در مورد فرهنگ و مذهب های متنوع
- دعوت از مساجد در سرتاسر نیوزیلند برای میزبانی برنامه های اجتماعی
- مسئولین محلی باید از تجلیل مراسم مسلمانها مانند عید حمایت کنند و آنها را برگزار کنند. همچنان فرهنگ های دیگر مانند ماتاریکی، سال نو چینی و دیوالی نیز باید شامل گردند.
- دعوت از رهبران اجتماعی مسلمانان برای رهبری گفتمان عمومی در مورد اسلام و اشتراک در دیالوگ های بین المذاهب.

بهبود در نظام امنیت ملی نیوزیلند

بعضی از افرادی را که ما ملاقات کردیم خواهان بهبود در نظام امنیت ملی نیوزیلند بودند. آنها باور داشتند که این نهاد ها باید بیشتر فعال گردند. آنها به این باور بودند که نهاد های امنیتی باید نظارت بر تهدیدات ضد مسلمان، راستگرایانه و سایر تهدیدات بر علیه جوامع آسیب پذیر بر روی صفحات اجتماعی را بیشتر نظارت نمایند و باور داشتند که این تهدید ها باید جدی گرفته شوند.

سوء تفاهم و ترس از اهداف روحانی و فلسفه ایمانی اسلام حتی در جوامعی صلح آمیز و به لحاظ فرهنگی متنوع وجود داشته است، بالاخص در جاهایی که اسلام یک دیدن اقلیت بوده است. این چنین سوء تفاهمات در دست افراطی های برتریخواهی سفید پوست اساس ایدیولوژیکی این حملات را فراهم کرد. ازینرو مهم است که چنین سوء تفاهمات نباید گسترش یابند و نظام امنیتی باید آماده مقابله با آن باشد.

10 عده ای از افراد خواهان آموزش بیشتر کارمندان در جامعه استخباراتی نیوزیلند شدند تا آنها بتوانند تهدیدات را زودتر شناسایی کنند.

11 به ما گفته شد که ادارات دولتی باید تجارب لازم را بدست آورد بشمول تجارب فرهنگی تا آن به فهم ذیل نایل آیند:

- چالش فراراه مردمان و اجتماعات شوک دیده
 - چالش های مردمانی که با افراد شوک دیده و اجتماعات رنج دیده کار می کنند روبرو میشوند و نیاز حمایت های ترجمه زبان
 - چگونگی اخذ و تحلیل اطلاعات توسط مردمانیکه تروریزم را تجربه کرده اند
- این برای نهاد های حمایتی مهم است بدانند که قربانیان تحلیل اطلاعات را در زمان مواجه شدن با فشار روانی مشکل می یابند. تروما میتواند تحلیل اطلاعات را از چندین طریق متاثر سازد.

- چگونه میتوان روابط پر اعتماد، همکارانه با جوامع آسیب پذیر ایجاد کرد، و

این بسیار مهم است که گوش داد، حمایت کرد و کار کرد - این سه عمل را نمیشود از یکدیگر جدا کرد. این باعث میشود که بتوان به اجتماعات خدمات و حمایت لازم را فراهم کرد.

- حمایت از بهبود روانی نیازمند فعالیت های کار با جوامع است.

بجای یک حضور نمایشی، از پولیس خواسته میشود تا یک رابطه مراقبت و حفاظت با جامعه داشته باشد و به نیازمندی ها و امنیت جامعه توجه کند.

12 به ما در مورد اهمیت داشتن یک رویکرد انسان محور (بیشتر با توجه به نجات یافته گان) به بهبود داشته باشیم. یک عنصر اصلی آن این است که به نجات یافته گان فرصت و فضای شنیدن دادن شود، تا آنها را بشود در انکشاف راه های حل دراز مدت شریک ساخت.

این بسیار مهم است که صدای قربانیان را بلند کرد. قربانیان احساسات و نظراتی دارند که برای حل مسایل کلیدی مهم هستند اما نمیتوانند اینها را به گوش افراد ذیصلاح برسانند.

13 رویکرد انسان محور، چنانچه به ما گفته شده است، بیشتر روی حل مسایل و دریافت راه های حل توجه می کند و ذاتا آینده محور است. نوع بدیل آن که رویکرد نظام محور است که whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان آن را تجربه کرده اند بیشتر به عکس العمل در مقابل خطرات یا مشکلات بجای رسیدگی به نیازمندی های افراد توجه دارد.

14 پیشنهادات دیگر در زمینه انعطاف پذیری ادارات دولتی، آمادگی برنامه ریزی شان، و برای نیازهای بلندمدت بهبود اجتماعات نیز وجود داشتند. مثلاً نحوه بهبود یافتن یک نجات یافته ممکن است مطابق با ماهیت حادثه ای که آن شخص از آن رنج برده است متفاوت باشد. همچنین اجتماعات مختلف، whānau را به روش های متفاوتی دسته بندی می کنند و لازم است این مسئله مدنظر قرار داده شود.



فصل ۶: مسایل مطرح شده دیگر توسط whānau، نجات یافتگان و شاهدان متأثر از واقعه

1 رویکردی که ما در جلسات با نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه داشتیم، به خصوص از آنجا که آنها پیش برنده جلسات بودند و درباره آنچه می خواستند با ما صحبت می کردند، به آن معنا بود که درباره مسائلی خارج از لایحه وظایف ما از افکار و نظرات افراد باخبر شدیم.

2 چنانچه قبلاً تذکر یافت لایحه وظایف از ما می طلبد تا برای جامعه نیوزیلندی اعتمادسازی نماییم. بنابراین فکر می کنیم اهمیت دارد که مسائلی که برای نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر مهم بودند را ثبت کنیم. همانطور یک پیشتر در این سند اشاره شد، لایحه وظایف ما ایجاب می کند به مردم نیوزیلند اطمینان خاطر ببخشیم.

پاسخ پولیس نیوزیلند به حمله تروریستی

3 ما از افراد بسیاری در مورد پاسخ به حمله تروریستی شنیدیم؛ از جمله مشاهداتی در باره برخورد با حمله تروریستی چقدر مجهز بودند. این تنها مسئله ای بود که بیش از همه در تمام ملاقات ما با نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر از واقعه مطرح شد.

4 مردم با خشم، اندوه، یاس و نگرانی در مورد اینکه چه مدت زیاد زمان گرفت تا پولیس نیوزیلند به داخل مسجد النور برسد سخن گفتند. آنها همچنان از نحوه رسیدگی کمک های طبی خشمگین بودند و باور داشتند که اگر کمک طبی زودتر میرسید، افراد بیشتر امروز زنده میبودند.

احساس وجود دارد که با وصف تلاش اعضای جامعه برای انتقال رهنمایی های دقیق و واضح برای جلوگیری از ابهام، پولیس ناتوانی جدی در پاسخ دهی مناسب و متناسب از خود شان داد.

5 بسیاری از کسانی که ما با آنها صحبت کردیم همچنان از کندی عمل پولیس نیوزیلند در قبال مساجد و محلات اجتماعی مسلمانها شاکی بودند. آنها باور داشتند که اگر پولیس نیوزیلند زودتر به محل میرسید، زندگی های بیشتری را میشد در مرکز اسلامی لینوود نجات داد. به ما گفته شد که برخی از نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر تجربه های خود را با تجربه های مشابه خشونت با اسلحه در کشورهایی که از آن به نیوزیلند آمده بودند مقایسه می کردند ... خیلی پاسخ گو تر و متوجه تر به حالت اضطراری این مسئله بودند.

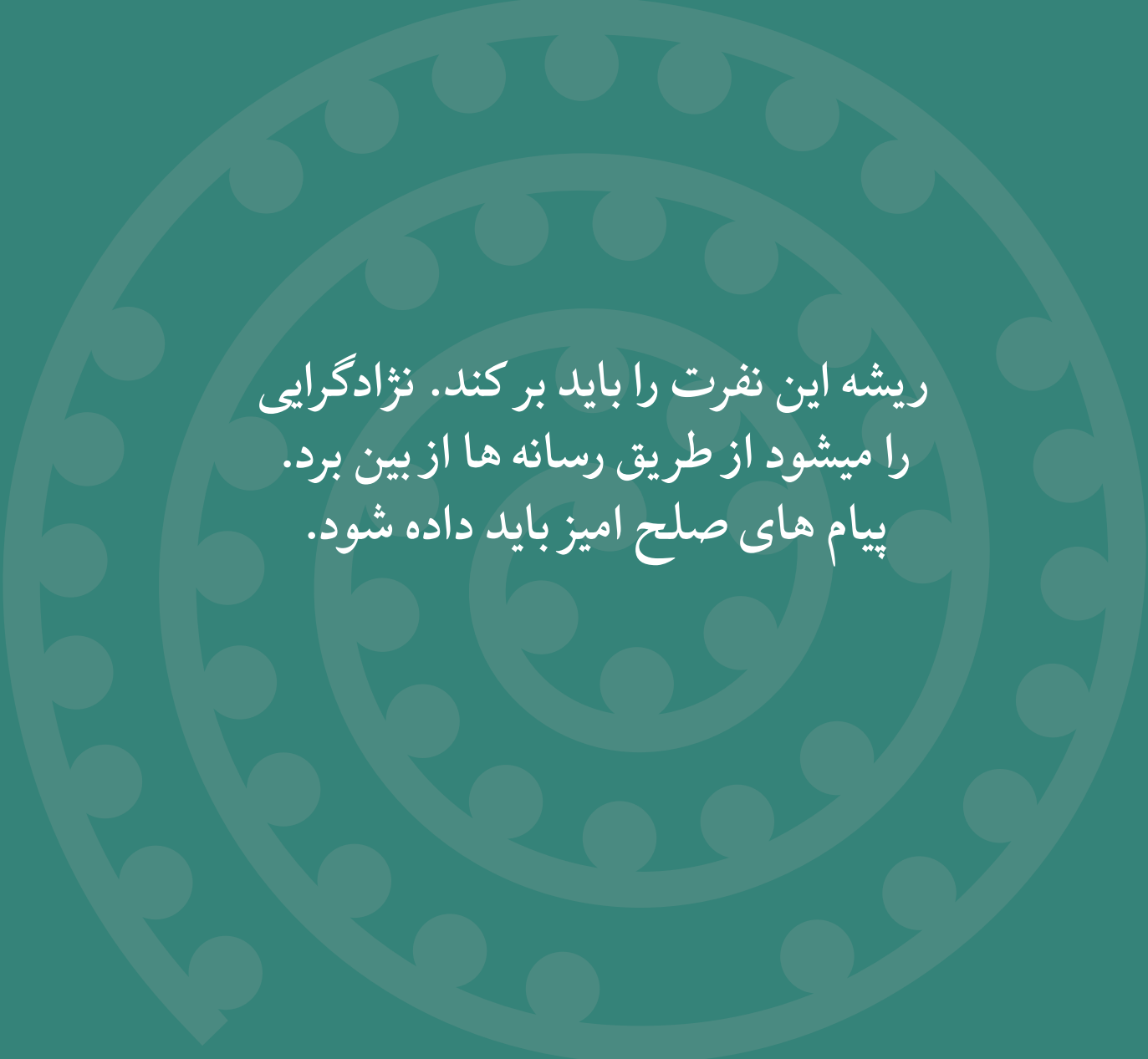
6 ما در hui خود با نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر بتاريخ ۸ نوامبر ۲۰۲۰ مطلع شدیم که آنها هنوز هم سوالاتی در مورد پاسخ دهی پولیس نیوزیلند و شفاخانه به این حمله تروریستی دارند.

7 بسیاری از whānau متأثر، نجات یافتگان و شاهدان گفتند که کمیشنر قبلی پولیس مایک بوش، اعلام کرده بود که یک بازنگری مستقل پاسخ پولیس نیوزیلند به حمله تروریستی را تهیه خواهد کرد. بسیاری از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر شاکی بودند که نتایج این بازنگری هنوز عمومی نشده است و باید تا حال چنین میشد. بعضی از بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر اظهار نظر کردند که این مسئله باعث کاهش اعتماد آنها بر پولیس نیوزیلند شده است و دیگر این نهاد را چنانچه قبلاً شفاف فکر می کردند، دیگر فکر نمی کنند.

8

تعامل فرد با نظام عدلی جزایی

- 9 بعضی از افرادی که با ما صحبت کردند نگرانی بودند که اوضاع زندان در نیوزیلند برای این فرد به حد کافی سختگیر نیست. یک عده افراد باور داشتند که برای کسی که مسئول حمله تروریستی شناخته شود، باید حکم مرگ داده شود.
- 10 یکعده از افراد نگران و خشمگین بودند که فرد متذکره میتواند با افراد همفکر خود از داخل زندان پیام رسانی کند. آنها سوال می کردند که اینچگونه ممکن است و خواهان حسابدگی و نظارت از سوی اداره مجازات شدند. آنها باور داشتند که جلوی همچو افراد در زندان گرفته شود تا نتوانند عقاید مضر خود را خارج زندان انتقال دهند.

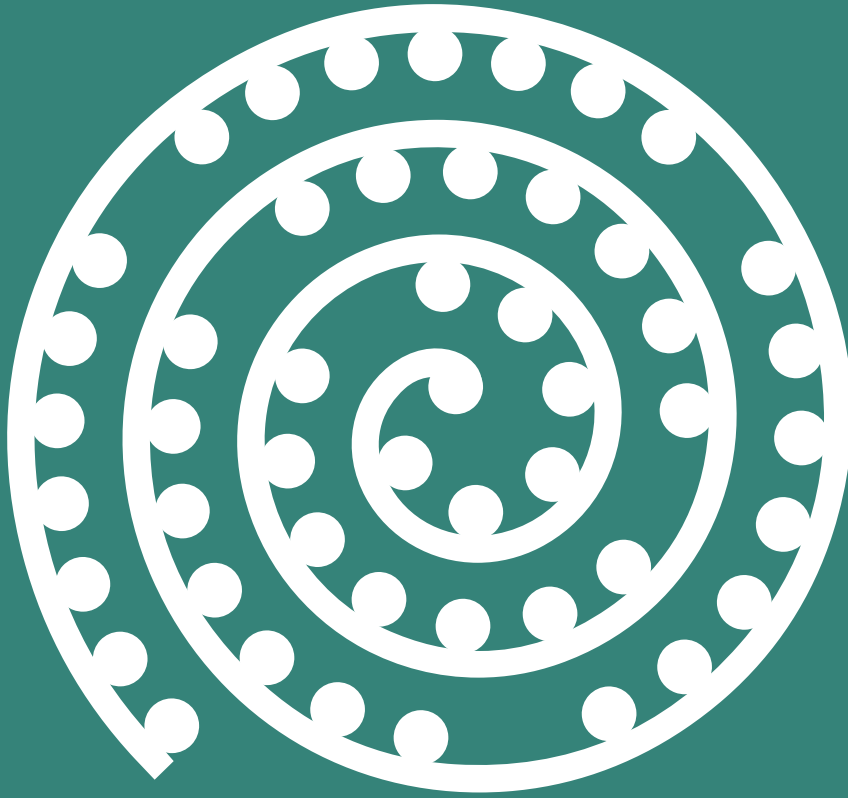


ریشه این نفرت را باید بر کند. نژادگرایی
را میشود از طریق رسانه ها از بین برد.
پیام های صلح امیز باید داده شود.

ضمیمه: روند تهیه این سند

- 1 ما مقدار قابل توجهی از مواد را در روند گفتگوها از whānau متأثر از واقعه، نجات یافتگان و شاهدان از طریق ملاقات‌ها، ارائه جات و دیگر تعاملات دریافتیم. ملاقات‌ها با بازماندگان، شاهدان و whānau متأثر بشکل خصوصی صورت گرفتند و کمیسیون سلطنتی با اجازه ملاقات شونندگان یادداشت‌هایی گرفته شده که با آگاهی آنها ثبت گردیده است.
- 2 ما یادداشت‌ها و مطالب دیگری که از نجات یافتگان، شاهدان و whānau متأثر دریافت کردیم را کنار هم گذاشتیم تا موضوعات و مباحث مشترک را شناسایی کنیم. این کار ما را قادر ساخت داستان‌ها، تجربه‌ها و شواهد آنها را اینجا به طور کلی بیاوریم و بدین صورت تجربه افراد را به طور دقیق نقل‌قول نکنیم و به ماهیت محرمانه تعاملات مان با آنها احترام بگذاریم. در جایی که نقل‌قول آمده است، برای استفاده از نقل‌قول‌ها از آنها اجازه خواستیم و اجازه دریافت کردیم.
- 3 این سند از داستان‌ها، تجربه‌ها و شواهد کسانی که بیش از همه توسط حمله تروریستی متأثر شده‌اند هیچ نتیجه‌گیری را ارائه نمیکند و در خصوص آنها نظری نمی‌دهد. همچنین عقیده‌ای را نسبت به عقیده دیگر ترجیح نمی‌دهد. بلکه هدف این سند ارائه گزارش مناسب برای صدای whānau ۵۱ شهید، نجات یافتگان و شاهدان حمله تروریستی و whānau آنها است. این صداها حق شنیدن دارند.

4



سمبول ما از پایداری همیشگی (Aotearoa) نیوزیلند که نماد (koru) می باشد الهام گرفته است.

این برگ سرخس در حال باز شدن نمایانگر صلح، آرامش، تکامل، تغییر مثبت و آگاهی است. جنبه صلح آنرا به زنده بودن دین اسلام نیز میشود معنی کرد. ما میان این taonga و سفرایکه نیوزیلندی ها پیش رو دارند خطوط موازی می کشیم تا جامعه همه شمول و مصونتر داشته باشیم.

طرح koru همراه با هفت دسته از هفت برگ سرخس در حال باز شدن چنین قدردانی میکند که تاریخ ۱۵ مارچ ۲۰۱۹ مطابق ۷ رجب ۱۴۴۰ هجری قمری مشابه به روز ۱۷ ام ماه ۷ تقویم اسلامی می باشد.

